

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۴ جون ۲۰۲۰

مکت کوتاهی به ارتباط کشته شدن ملا "نیازی"

چهارشنبه ۱۴ جوزای ۱۳۹۹ - کابل: از طریق رسانه ها مطلع شدیم که مولوی داکتر "ایاز نیازی" یک تن از فارغ التحصیلان "ازهر" مصر که همزمان با تدریس در پوهنځی شریعت پوهنتون کابل، ملا امام مسجد وزیر اکبر خان نیز بود، حوالی ساعت ۷ و ۲۵ دقیقه شام ۱۳ جوزا حین خروج از مسجد، در اثر انفجار یک بمب جای سازی شده با یک تن از نمازگزارانش به قتل رسید.

به مانند همیشه در چنین مواقعی، اظهار نظر در مورد چرائی و چگونگی این قتل گستره وسیعی یافته، به علاوه مقامات دولت دست نشانده، طالب، سفارت امریکا و احزاب، مردم عادی نیز تبصره هائی در زمینه نموده، در کل در چند نکته با هم اتفاق نظر داشتند:

محکومیت ترور- از طرف همه-، طالب را در قسمت ایجاد فضای کنونی مسؤول اعلام داشتن- حکمداران و ارگ نشینان-، سوختن در آتشی که خود افروخته بود- با استناد به موضعگیری های ضد انسانی "نیازی" حین قتل بیرحمانه فرخنده-، ناتوانی ارگانهای امنیتی در جلوگیری از بروز چنین وقایع و حوادث- مردم و رسانه ها-.

آنچه در تمام این نکات مشترک و تحلیل ها یا اصولاً مطرح نگردید و یا هم بسیار کمرنگ مطرح شد، مسأله چرائی ترور و شناسائی دقیق عامل اجرائی آن بود، که در یادداشت امروز تلاش خواهم نمود تا بسیار مختصر بدان اشاراتی نمایم. اما قبل از آن:

۱- اگر از گذشته های دور بگذریم و بحث در آن موارد را به زمان و چه بسا اشخاص دیگری واگذار نمایم، حد اقل بعد از دفع دومین تجاوز انگلیس بر افغانستان و نقش آزادیخواهان ملا های سنتی برخاسته از درون مردم در جنبش دفع تجاوز، دیده می شود که استعمار انگلیس جهت سلطه بر روان سرکش باشندگان این میهن، مواد مخدر "آخذ، ملا، مولوی، پیر و پیشوا" را وارد میدان سیاست نموده، با آوردن خانواده های وابسته به خودش یعنی "مجددی" ها، "نقیب" ها، "میا" ها و ده ها خانواده دیگر از همین قماش وابستگانش به افغانستان، و با وسایل گوناگون به تقویت پایه های نفوذ آنها در بین مردم عقب مانده و اسلام زده، قشر روحانیت را درکل به تارهای مخفی استخبارات استعماری بسته نمودند. نتایج این وابستگی را در جنبش ضد امانی همه از طریق تاریخ خوانده ایم.

فاز دیگر وابستگی زمان آغاز یافت که جنایتکاران خلق و پرچم و بعداً بادران آنها روسهای اشغالگر، برون ما تاخندند و باعث فرار کتله های میلیونی توده های کشور به خارج به خصوص کشور های همسایه یعنی ایران و پاکستان

گردیدند. مسلم است در این فرار میلیونی توده ها، تمام اقشار و طبقات جامعه نیز شامل بود. یکی از اقشار فرار کننده، قشر مفتخور و زالو صفت آخذند و ملا بود.

شرایط حاکم در کشور های همسایه ما، پاکستان و ایران و حاکمیت اسلام سیاسی در هر دو کشور، فضاء و شرایطی را به وجود آورد که نهاد های امنیتی - استخباراتی هر دو کشور، بیشترین توجه شان را به جذب عناصر خاین به افغانستان از درون قشر ملا و آخذند معطوف داشته با فراهم ساختن هدفمندانه امکانات تحصیل و زمینه رشد آنها، بستر گسترش و تعمیق نهاد های استخباراتی خودشان را در درون این قشر پهنا و ژرفای بیشتری ببخشند.

در جریان این روند است که اکثریت مطلق قشر آخذند، ملا، مولوی، حجة الاسلام و آیت الله صرف از نظر اعتقادات مذهبی شان به تسنن و یا تشیع، مطلقاً در خدمت نهاد های امنیتی کشور های خارجی قرار بگیرند. یعنی تعدادی از آنها که در قم، مشهد و حتا عراق در حوزه های به اصطلاح علمیة مربوط تشیع درس خواندند، در پیوند با "واواک" ایران قرار بگیرند و تعداد دیگری که در مدارس پاکستان و تحت نظارت استخبارات نظامی پاکستان، درس خواندند، در خدمت "آی. اس. آی" قرار بگیرند که گرفتند. در نتیجه به جرأت می توان ادعا نمود که اکثریت مطلق قشر ملا و آخذند به هر مذهبی که تعلق داشته باشند، به یکی و یا چند نهاد امنیتی - استخباراتی کشور های دور و نزدیک رابطه تنگاتنگ داشتند. امری که ملا "نیازی" نیز از آن مستثنا نیست.

ادامه دارد.